

۲۸۶ - ای مجذوبان روی دلجوی آن دلبر بیهمتا مرکز حسن و جمال چون در آئینه جلال جلوه نمود و در انجمن عالم چهره برافروخت یاران را رسم عاشقی آموخت گهی در میدان فدا جانفشانی کرد و گهی در زندان بلا اسیر زنجیر جفا گشت دمی ضرب شدید دید و روزی معرض تهدید دشمن عنید گردید یومی سرگون بعراق شد و روزی تبعید آفاق گشت گهی نفی ببلغار شد و ایامی در زجر و عقوبت بیشمار بسر برد تیری نماند که بسینه مبارکش نخورد و خنجری نماند که بحنجر مقدسش کشیده نگشت نهایت از ایران بارض کنعان افتاد و در اقلیم سریان در این سجن اعظم در زندان مظلوم مقر یافت و جمیع این بلایا را تحمل نمود تا عاشقان را رسم عاشقی بیاموزد و یاران را شروط محبت بنماید پس ما که آشفتهگان آن روی منوریم و دلدادگان آن موی معطر پیروی او کنیم و در منهج او رفتار نمائیم تا شمع وفا گردیم و نور هدی شویم